

## بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: مناطق ۸ گانه شهر اهواز)

اسکندر لطفعلی‌زاده<sup>۱</sup>، دکتر یوسف امینی<sup>۲</sup>، دکتر علی حسین حسین‌زاده<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۰

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

### چکیده:

هدف این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان اهواز است. جامعه آماری در این تحقیق شامل افراد ۶۰-۱۸ ساله و روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای یا تلفیقی می‌باشد. جهت گردآوری داده‌ها از روش پیمایشی و پرسشنامه استفاده شده است. نتایج آماری نشان داد به‌طور کلی مشارکت اجتماعی زنان بیشتر از مردان بوده است. بین متغیرهای مستقل دینداری، اعتماد اجتماعی، تعلق اجتماعی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، وضعیت تأهل) با متغیر وابسته مشارکت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ ولی بین احساس بی‌قدرتی و مشارکت رابطه معکوس و معناداری وجود داشته است. بین مشارکت اجتماعی متأهلین، مجردین و رده سنی افراد تفاوت معناداری وجود نداشت. بنابراین بین جنس و سن با مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه‌ای دیده نشد.

مفاهیم کلیدی: مشارکت اجتماعی، متغیرهای مستقل، همبستگی

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران  
lotfalizadeh1396@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (نویسنده مسئول)  
yousefamini@gmail.com

<sup>۳</sup> استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران  
alihos81@yahoo.com

## مقدمه و بیان مسأله

رسیدن به پیشرفت بدون وجود زندگی جمعی و داشتن همکاری با دیگر هم‌نوعان و به نوعی وجود فرایند تعاملی چند سویه میسر نخواهد بود؛ به بیان دیگر، با فرض وجود یک جامعه، برای رسیدن به توسعه باید یکی از شرایط مهم و اساسی آن، یعنی وجود مشارکت فراهم شود.

مشارکت به منزله پدیده‌ای اجتماعی که هم ارزش غایی یا ذاتی و هم ارزش وسیله‌ای دارد و درخور بررسی و تأمل است و جایگاه برجسته‌ای به دست آورده‌است؛ زیرا هر برنامه‌ای برای رسیدن به مطلوب مورد نظر و موفقیت آمیز بودن، به مشارکت و شرکت متقابل اعضای جامعه چه زن، چه مرد و چه شهری و چه روستایی نیاز دارد (Asadpour & et. al., 2019: 68).

ضرورت وجود مشارکت اجتماعی در سطح خرد و کلان سبب شده است از چشم‌اندازهای نظری متفاوتی به موضوع مشارکت نگریسته شود و ابعاد گوناگون آن در نظر گرفته شود. مشارکت اجتماعی و شهروندی و کارکرد آن از پدیده‌های اجتماعی واجب‌الوجودی است که در ضرورت وجودی و کارکردهای آن هیچ تردیدی وجود ندارد، اما بسیار پیچیده و چند بعدی است. در توصیف واژه مشارکت اجتماعی باید به جامعیت، شرایط و ارتباطات آن با سایر مفاهیم توجه شود؛ به‌خصوص وقتی که مشارکت اجتماعی از نوع مشارکت مردم در اداره یک شهر باشد. باید توجه داشت مادامی که برخی از عناصر، عوامل و یا نظام‌های اجتماعی - فرهنگی وجود نداشته باشد، احتمال زایش مشارکت و به‌طور خاص مشارکت اجتماعی امکان ندارد و مشارکت هم تابع یک دستور نیست که با اراده اجرا شود و هر وقت نخواهیم از آن صرف‌نظر شود.

برای مشارکت باید بسترهای لازم فراهم شود؛ یکی از مهم‌ترین شرایط و بسترهای زایشی مشارکت اجتماعی، وجود ارکان اجتماعی مانند اعتماد، احساس تعلق اجتماعی، دینداری و ... در جامعه و شهر است. اگر اضلاع این ارکان مانند ضلع اعتماد و شفافیت دچار فرسایش شود چشمان نافذ هیچ صاحب بینش و مشارکت‌جویی، مشارکت را نمی‌تواند ببیند (Mohammadi Shahbalaghi & et. al., 2016: 68).

مشارکت اجتماعی در کلان‌شهرهایی مانند اهواز حتماً باید بر پایه اجتماع محور و محله محور باشد. این مشارکت شرایط خاص خود را دارد. اگر شرایطش مهیا نباشد با هیچ‌گونه فرمایشی اجرایی نخواهد شد. اگر مشارکت اجتماعی در شهر جاری شود به معنای آن است که باید با هم بیندیشیم، با هم برنامه‌ریزی کنیم، با هم اجرا کنیم، با هم

منتفع شویم و با هم نظارت کنیم. اگر این اتفاق رخ دهد مطمئناً بسیاری از مشکلاتی که در سطح شهر وجود دارد و نیازمند بودجه‌های کلان اقتصادی است می‌تواند به راحتی حل شود. از طرفی بسیاری از مشکلات و موانع اجتماعی تنها با صرف بودجه مرتفع نمی‌شود بلکه نیازمند برنامه‌ها و نقشه‌های عملیاتی مشارکت اجتماعی و شهروندان است. در بسیاری از پروژه‌های شهری تا مشارکت اجتماعی ایجاد نشود حتی با صرف هزینه‌ها و بودجه‌های کلان اقتصادی هم نمی‌توان به موفقیت دست یافت. بسیاری از طرح‌های شهری به دلیل آنکه پشتوانه مشارکتی ندارد راکد مانده و به نتیجه غایی نرسیده است. به‌طور حتم اگر مشارکت به معنای واقعی خود محقق شود پیامدهای آن گره‌گشایی از مسائل شهری است و مهم‌تر از آن باعث نگهداشت و استمرار پروژه‌ها و استفاده و بهره‌برداری بهینه از آنها می‌شود. این‌ها پیامدهای مستقیم مشارکت‌های اجتماعی در اداره شهر است و پیامدهای غیر مستقیم آن افزایش امیدواری، افزایش نشاط و شادابی، القای حس بودن، خودشکوفایی و ... در جامعه خواهد بود (Ghadimi Gheydari & Kazemi, 2017: 191).

موفقیت برنامه‌های شهری، در گرو حرکت از مشارکت صوری به سمت مشارکت هدفمند است. در مشارکت هدفمند، مکانیزم‌های مشارکت واقعی تبیین می‌شود، ضرورت‌های مشارکت و زمینه‌های آن فراهم می‌گردد و شهروندان در جریان روند اجرای برنامه‌ها قرار می‌گیرند. از سویی دیگر اعتماد مدیریت شهری به توانایی‌های شهروندان و تأثیرگذاری آنان در برنامه‌های شهری باعث بهبود طرح‌های توسعه و مشروعیت آن‌ها می‌شود؛ بنابراین آسیب‌های فقدان مشارکت هدفمند در برنامه‌های مدیریت شهری بویژه در کلان‌شهرها نمود بیشتری دارد. توجه به ابعاد و زوایای مشارکت در جهت لزوم کاهش این آسیب‌ها و ایجاد محیطی با آسایش خاطر شهروندان، را ضروری می‌کند (Shiyani & et. al., 2012: 42).

بنابراین شکوفایی و توسعه یک جامعه ایجاد فضایی را می‌طلبد که در آن افراد با دیدگاه‌های گوناگون امکان مشارکت در حیطه‌های مختلف را داشته باشند و افراد و گروه‌ها در ارتباط تنگاتنگ با هم قرار گیرند و نیز با توجه به اینکه مشارکت عنصر کلیدی در تحقق توسعه است، خواه مشارکت را به‌عنوان ابزار و وسیله رسیدن به توسعه در نظر بگیریم و خواه از مشارکت به‌عنوان هدف توسعه یاد کنیم، برای رسیدن به توسعه همه‌جانبه و پایدار، مشارکت اجتماعی در یک جامعه الزامی است. بنابراین، شناخت و سنجش مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن به‌عنوان یک مسأله پژوهشی در جوامع مختلف مطرح می‌شود (Afzaliansalami & et. al., 2019: 9).

تاکنون تحقیقات متعددی پیرامون عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی صورت گرفته است اما در جوامعی نظیر شهر اهواز که به دلیل برخورداری از جایگاه اقتصادی و موقعیت خاص استراتژیک در کشور، باید به توسعه و استانداردهای شهری دست یابد، متأسفانه تحقیقی انجام نگرفته است و این مسأله نوآوری مطلب در جامعه مورد بررسی را نشان می‌دهد.

در این تحقیق برآنیم تا ضمن تبیین مشارکت اجتماعی و ارائه نظرات در این باره، عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان در شهر اهواز را بررسی کرده و رابطه بین ابعاد مشارکت اجتماعی (احساس بی‌قدرتی، دینداری، اعتماد اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی) و مشارکت را از نظر معنادار بودن بررسی نماییم.

### پیشینه پژوهش

#### الف) تحقیقات داخلی

افزلیان سلامی و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان خواف دریافتند که میانگین مشارکت اجتماعی پاسخگویان در حد متوسط است و متغیرهای استفاده شده در این تحقیق توانسته است ۳۱٪ از واریانس متغیر وابسته را تبیین کند. از بین عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و تحصیلات بیشترین تأثیر و مذهب و احساس بی‌قدرتی کمترین تأثیر را داشته است. در این تحقیق تأثیر اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، عام‌گرایی، آینده‌گرایی و سنت‌گرایی بر مشارکت اجتماعی، معنادار بوده و تأثیر سن، مذهب و احساس بی‌قدرتی بر مشارکت اجتماعی معنادار نبوده است (Afzaliansalami & et. al., 2019: 8).

زارع و روهنده (۱۳۹۴)، در پژوهشی پیمایشی به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - سیاسی مطالعه‌ای در باب شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج دریافتند که رضایت‌مندی سیاسی ۳۳ درصد از ۱۹ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی - سیاسی را توضیح می‌دهد، دینداری نیز ۶ تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. بین هر یک از متغیرهای رضایت‌مندی اجتماعی، رسانه جمعی، درآمد و جنسیت با مشارکت اجتماعی - سیاسی هم رابطه معنادار مشاهده شد. پس از ورود همزمان متغیرهای اصلی و متغیرهای شخصی شهروندان به مدل تحقیق، مشخص شد که در مجموع متغیرهای تحقیق ۴۱ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی - سیاسی را توضیح می‌دهند ( Zare & Rohandeh, 2015: 64).

اسدپور و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیقی به بررسی مشارکت اجتماعی رسمی و غیر رسمی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان آمل پرداختند. آنان بیان داشتند که میانگین مشارکت اجتماعی رسمی نشان‌دهنده میزان مشارکت متوسط رو به پایین بوده است و میانگین مشارکت اجتماعی غیر رسمی در سطح متوسط رو به بالا ارزیابی شده است. مشارکت اجتماعی از نظر محل سکونت متفاوت و در روستا بیشتر از شهر بوده است؛ همچنین بین میزان مشارکت اجتماعی رسمی با متغیرهای ساخت قدرت اقناع‌گرا در خانواده، استفاده از رسانه‌های داخلی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و گرایش خانواده به مشارکت، رابطه معنادار و مثبت و بین متغیرهای ساخت قدرت استبدادگر در خانواده و میزان استفاده از رسانه‌های خارجی، رابطه معنادار و معکوس وجود داشته است. بین میزان مشارکت اجتماعی غیر رسمی با متغیرهای مدت اقامت در محل، گرایش خانواده به مشارکت، ساخت قدرت اقناع‌گرا در خانواده و میزان استفاده از رسانه‌های داخلی، رابطه معنادار و مثبت و با متغیر ساخت قدرت استبدادگر در خانواده، رابطه معنادار و منفی وجود داشته است. تحلیل رگرسیون چند متغیره نیز مشخص کرد که متغیرهای مستقل پژوهش، در تبیین میزان مشارکت اجتماعی رسمی و غیر رسمی سهم عمده‌ای داشته‌اند (Asadpour & et. al., 2019: 67).

نوابخش و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد بین سن و وضعیت تأهل افراد با میزان مشارکت آن‌ها رابطه وجود دارد ( Navabakhsh & et. al., 2014: 1).

درویش‌پور کاخکی و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی به بررسی میزان مشارکت اجتماعی، موانع و عوامل مرتبط با آن در سالمندان شهر تهران پرداختند. یافته‌ها نشان داد میانگین نمره مشارکت اجتماعی سالمندان ( $\pm 4/30$ ) ۱۵/۹۶ بود. ۳۷/۷ درصد از سالمندان تمایلی برای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی نداشتند. مهم‌ترین عوامل شامل هزینه‌ها (۳۶ درصد)، بیماری (۳۰ درصد) و مشکلات رفت و آمد (۲۷/۳ درصد) بود. سالمندان با سن پایین‌تر، مذکر، متأهل، دارای تحصیلات دانشگاهی و با تعداد فرزندان کمتر بطور معنی‌داری مشارکت اجتماعی بهتری داشتند و بطور کلی میزان مشارکت اجتماعی سالمندان پایین گزارش شد (Darvishpoor Kakhki & et. al., 2014: 65).

#### ب) تحقیقات خارجی

خارونیس (۲۰۱۱)، در تحقیقی بر روی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی در افراد مسن نشان دادند که مشارکت اجتماعی افراد مسن به‌طور قابل توجهی با موقعیت‌های اقتصادی اجتماعی، وجود شرایط مزمن بسیار محدود کننده، وضعیت همسری و جنسیت ارتباط دارد. سن تقویمی تا حد زیادی به کاهش مشارکت در زندگی اجتماعی نسبت داده می‌شود. با این حال، وضعیت اقتصادی - اجتماعی و جنسیت پاسخ‌دهندگان از عوامل مهم در تعیین مشارکت اجتماعی افراد مسن است (Khaerunnisa and Hafeez, 2011: 283).

منصوری و همکاران (۲۰۱۸)، در تحقیقی پیرامون عوامل مؤثر و مانع بر مشارکت اجتماعی در افراد مسن دریافتند که بیماری (۸۱/۳ درصد)، مشکلات مالی (۷۲/۵ درصد) و عدم دسترسی فیزیکی (۵۵/۹ درصد) به ترتیب موانع اصلی مشارکت اجتماعی بودند. بین سن، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت مسکن، سطح تحصیلات، شغل، درآمد و مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود داشت. علیرغم تمایل سالمندان در مطالعه حاضر، مشارکت اجتماعی آنها کم بود (Mansouri & et. al., 2018: 65).

شمایی و همکاران (۲۰۱۵)، در تحقیقی به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت جامعه پرداختند. در این تحقیق متغیرهای اندازه‌گیری شده انسجام اجتماعی، مشارکت‌های سودآور، آژانس‌های اقتصادی - اجتماعی، اعتماد در میان غیر نظامیان، اعتماد به مدیریت شهرداری، احساس ناتوانی و ناهنجاری اجتماعی بودند. نتایج اجرای آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که همه این متغیرها با مشارکت جامعه در مدیریت محله ارتباط معناداری داشتند. سه متغیر انسجام اجتماعی، مشارکت‌های سودآور و

وضعیت اقتصادی - اجتماعی ۳۷٪ از تغییرات مشارکت شهروندان در مدیریت جامعه را توضیح داده‌اند در حالی که انسجام اجتماعی در حال تغییر بیشترین تأثیر را حفظ کرده است (Shamai & et. al., 2015: 407).

صفری و زیاری (۲۰۱۳)، در تحقیقی عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری در شهر سلماس را بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد که ویژگی‌های پایه و شخصیت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر مشارکت شهروندان و وضعیت نهادی منطقه دارند؛ اما تغییر ویژگی‌های خانواده مانند امور درآمد خانواده تأثیری بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری ندارد. بر اساس اولویت، تأثیر متغیرها عبارتند از وضعیت نهادی، ویژگی‌های شخصیتی اساسی در وضعیت منطقه‌ای. بنابراین مشارکت شهروندان از طریق شوراهای مشارکت شهروندان و انجمن‌ها و مؤسسات نقش مهمی در مدیریت امور شهرداری و بهبود آن دارند. سرانجام، ویژگی‌های عوامل اساسی بر متغیرهای مشارکت شهروندان، شخصیت و الزامات نهادی و دولتی منطقه تأثیر می‌گذارد (Safari & Ziyari, 2013: 3272).

پراساد پنדיا (۲۰۱۵)، در تحقیقی نقش مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری دولت محلی و سهم آن‌ها در تقویت سیستم‌های برنامه‌ریزی و پاسخگویی محلی در نپال را از لحاظ کیفی بررسی کرد. یافته‌ها نشان داد که مشارکت، سیستم‌های برنامه‌ریزی و پاسخگویی محلی را تقویت می‌کند، اما همچنین با برخی از نتایج منفی بالقوه مرتبط است. نتایج بسته به ساختار مشارکت و سایر عوامل مانند قدرت محلی و سیاست، انگیزه‌های مشارکت، ظرفیت شهروندان و دولت‌های محلی و سطح حمایت نمایندگان منتخب متفاوت است. این یافته‌ها حاکی از آن است که رابطه بین مشارکت شهروندان و نتایج مشارکت بسیار پیچیده و پویا است و مشارکت مؤثر اغلب به سازمان ساخت و ساز گروه‌های حاشیه‌ای، بسیج شهروندان و ایجاد شبکه‌های اجتماعی که ممکن است تأثیرات مختلفی بر تأثیر مشارکت داشته باشند، دارد (Prasad Pandeya, 2015: 67).

### چارچوب نظری پژوهش

شناخت مبانی نظری پیرامون هر پدیده، روش‌نمایی بخش و راهنمای طی مسیر تحقیق است و به شناخت بیشتر زوایای موضوع کمک شایانی می‌نماید. عامل اعتماد یکی از بنیادین‌ترین عواملی است که می‌تواند بر روی مشارکت اجتماعی شهروندان تأثیر مستقیم بگذارد. در تعاملات اجتماعی، اعتماد با کارکردهای متعدد روان‌شناختی، اجتماعی، سیاسی

و اقتصادی خود نقش مهمی را ایفا می‌کند. صاحب‌نظران بسیاری در چند دهه اخیر به بحث پیرامون اعتماد، الزامات و پیامدهای آن پرداخته‌اند که برخی از این آثار به زبان فارسی نیز ترجمه و منتشر شده که از آن جمله می‌توان از گیدنز (۱۹۹۹)، افه (۲۰۰۶)، زمرلی و نیوتن (۲۰۰۸) و ... نام برد.

آنتونی گیدنز، اعتماد را انتظار برآورده شدن چشم‌داشت‌ها در مورد رویدادهای احتمالی می‌داند. به اعتقاد وی اعتماد را می‌توان اطمینان و ایمان به قابلیت یک شخص یا سیستم و پایبندی آن‌ها به اصول اخلاقی، اصول انتزاعی و مجرد (مثل دانش فنی) در نظر گرفت. آنتونی گیدنز یک نظریه جامع‌تری در مورد اعتماد اجتماعی نسبت به سایر نظریه‌پردازان دیگر ارائه می‌کند. وی انواع اعتماد (بنیادی، متقابل، انتزاعی) را مورد بررسی قرار می‌دهد و با استفاده از نظریه ساختاربنندی خود اعتماد را در دو سطح خرد و کلان تحلیل می‌کند (Giddens, 1999: 323).

گیدنز به دلیل توجه به وجوه اصلی مدرنیته، موضوع ریسک و مخاطره را با انواع اعتماد در رابطه قرار می‌دهد. لیکن اعتماد در دوران ماقبل مدرن را نیز مورد کنکاش خود قرار می‌دهد. وی با وارد کردن بحث اعتماد بنیادی که در واقع یک بحث روان‌شناسی و مربوط به اریکسون می‌باشد به کار خود غنای بیشتری می‌بخشد. به نظر وی اعتماد بنیادی اضطراب را کاهش داده و نوعی احساس تداوم و نظم در رویدادها یا امنیت وجودی در فرد به وجود می‌آورد. به اعتقاد گیدنز در اعتماد متقابل، صمیمیت وجود دارد و بر اساس تداوم و تحت تأثیر نیروی محبت و احساسات عاطفی شکل می‌گیرد. علاوه بر این، گیدنز اعتماد را جزء لاینفک زندگی اجتماعی در نظر گرفته و خصلت از جاکندگی نظام‌های انتزاعی را به معنای تداوم کنش متقابل با دیگران غایب می‌داند و ماهیت نهادهای مدرن وابسته به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی به‌ویژه نظام‌های تخصصی است. بنابر رویکرد نظری آنتونی گیدنز، اگر در جامعه اعتماد در هر سه شکل بنیادی، متقابل، انتزاعی (نهادی) وجود داشته باشد، شاهد وجود و افزایش مشارکت اجتماعی در جامعه خواهیم بود.

زمرلی و نیوتن معتقدند اعتماد تسهیل‌کننده رفتار جمعی، ایجاد‌کننده فضای اجتماعی مبتنی بر مشارکت و مشوق توجه به منافع و علایق جمعی است (Zmerli & Newton, 2008: 1).

افه معتقد است؛ اعتماد فرضی شناختی است که کنشگران فردی یا جمعی - گروهی در تعامل با دیگران به کار می‌بندند. این فرض شناختی، با ترجیحات و تمایلات رفتاری



دیگران از لحاظ آمادگی آن‌ها برای کمک، همکاری و پرهیز از اقدامات خودخواهانه، فرصت‌طلبانه و خصمانه ارتباط دارد (Effe, 2006: 208).

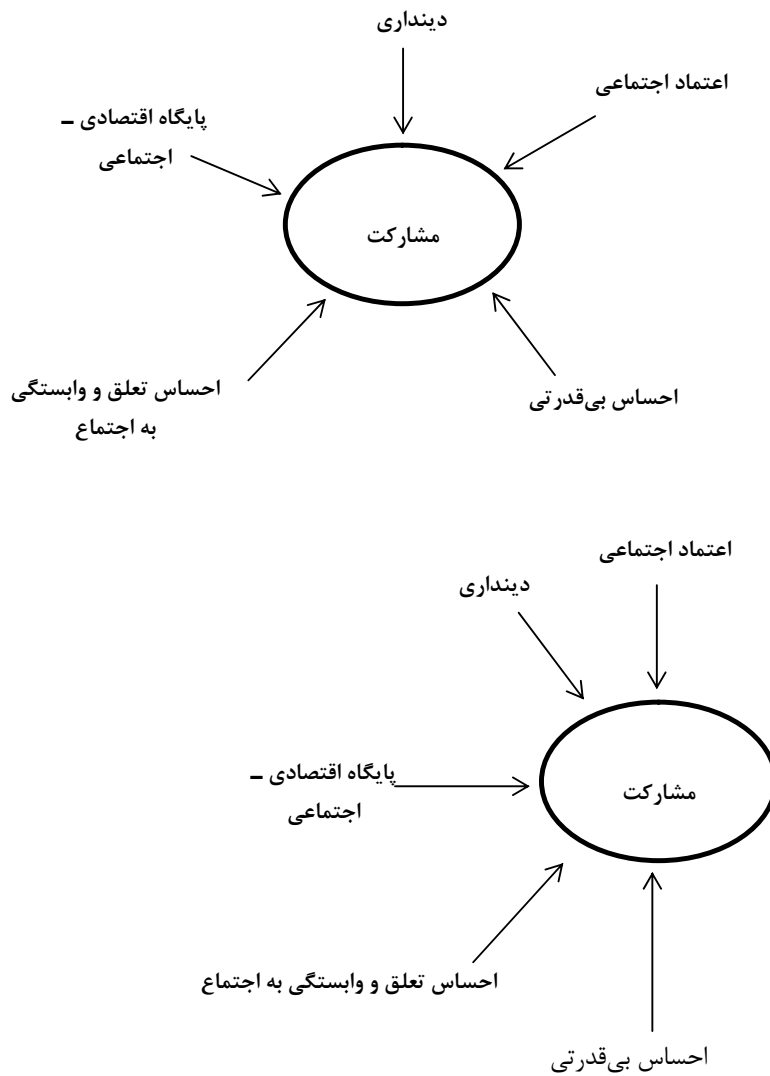
طبق نظریه اولسن، احساس بی‌قدرتی در افراد موجب کاهش فعالیت‌های مشارکتی می‌شود. در واقع، این نظریه، رابطه بین بی‌قدرتی و مشارکت اجتماعی را بررسی می‌کند. با توجه به نظریه اولسن می‌توان گفت که هر چه افراد احساس ناتوانی بیشتری داشته باشند و تصور کنند که توانایی کنترل محیط خود را ندارند، کمتر در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت خواهند کرد. «به نظر اولسن با افزایش ناتوانی، میزان مشارکت سیاسی کاهش می‌یابد» (Alavitabar, 1997).

مرتون نیز معتقد است وقتی جامعه کلاً بر فرد کنترل داشته است فرد احساس نوعی بی‌قدرتی خواهد کرد؛ زمانی که هدف و هنجار از دید فرد پوچ و بی‌محتواست، وی احساس جدایی و انزوای اجتماعی می‌کند و زمانی که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را نپذیرد دچار احساس بی‌هنجاری می‌شود. به نظر مرتون، هر سه جنبه بیگانگی؛ یعنی احساس بی‌قدرتی، انزوا و بی‌هنجاری در مجموع و یا به صورت منفرد در فرد می‌تواند تظاهر کند. وی منبع این بیگانگی را شرایط آنومیک معرفی می‌کند و معتقد است که شرایط آنومی اثرات متفاوتی بر افراد با توجه به موقعیت‌های مختلفی که آن‌ها در ساختار اجتماعی اشغال کرده‌اند می‌گذارد (Mohsenitabrizi, 1991: 59-62) و تنها در صورتی که فرد دچار کنش انزواگرا شود در مسائل پیرامون خود مشارکت نمی‌کند.

لوین و ایسون معتقدند که دینداری از طریق مکانیسم پیوندهای اجتماعی و حمایت رسمی و غیر رسمی به سلامت مثبت جامعه منجر می‌شود. آن‌ها بیان می‌کنند که حداقل بخشی از روابط مشاهده شده بین اهتمام دینی و سلامت روانی، ناشی از نقش جماعت و گروه‌های دینی در فراهم کردن پیوندها و حمایت‌های اجتماعی برای مؤمنین می‌باشد. آن‌ها با استناد به شواهد تجربی، بر این نظر هستند که افرادی که به‌طور منظم و بیشتر در عبادات دینی به‌ویژه عبادت‌ها و تشریفات جمعی دینی شرکت می‌کنند، دارای شبکه‌های اجتماعی و روابط وسیع‌تری هستند؛ و بنابراین از تبادلات کالا، خدمات و اطلاعات فراوان‌تر برخوردار می‌شوند. تشریفات (خدمات) دینی، و فعالیت‌های مرتبط با آن، افرادی با تعهدات و پایبندی‌های اعتقادی مشترک را گرد هم می‌آورند و این جماعت‌های دینی غالباً مجراها و کانال‌هایی برای حمایت‌های اجتماعی و ابزاری و امدادهای عاطفی - اجتماعی همچون همیاری هستند (Aminbeidokhti & Sharifi, 2016: 44).

می‌توان گفت تأکید و توجه دورکیم به رابطه احساس تعلق اجتماعی و گسترش ارتباطات در سطح جامعه، در نظریه وفاق او به بهترین وجه نمود یافته است. او در ابتدا به نقش همبستگی در گسترش و تقویت ارتباطات اجتماعی اشاره نموده است و معتقد است، هر جا همبستگی اجتماعی نیرومند باشد، عامل نیرومندی در نزدیک کردن افراد به هم خواهد بود و باعث تشدید تماس‌های آن‌ها و بیشتر کردن فرصت‌های ارتباطاتشان با یکدیگر خواهد بود (Ghafari & Niyazi, 2007: 43). دورکیم به دنبال آن معتقد است که «صفت عام و تعمیم‌یافته وفاق اجتماعی»، شرایط مساعدتری را برای تعاون اجتماعی و مشارکت اجتماعی فراهم می‌کند که خود می‌تواند به امر توسعه و به گشت اجتماعی کمک کند. پارسونز نیز که جامعه را به‌عنوان نظام اجتماعی در نظر گرفته است، در تحلیل انسجام در سطح نظام اجتماعی به کنش‌های اظهاری اشاره نموده است. او معتقد است هر گاه در موقعیت‌های اجتماعی کنش‌های اظهاری فرد معطوف به دیگران باشد، به همکاری بیشتر و انسجام با دیگران می‌انجامد. در این کنش و مسئولیت‌ها و وفاداری به حد اعلای خود می‌رسد (Ghafari & Niyazi, 2007: 45).

کوئن در مورد تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد بر مشارکت معتقد است که معمولاً هر چه طبقه اجتماعی بالاتر است احتمال مشارکت و درگیری در فعالیت‌های اجتماعی نیز بیشتر است. به نظر وی «سطح مشارکت فعال در کلپ‌ها و باشگاه‌های محلی، انجمن شهری، انجمن خانه و مدرسه و سازمان سیاسی در میان اعضای طبقات پایین جامعه، کمتر است». هانتینگتون و نلسون نیز در زمینه رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی و مشارکت معتقدند که کسب پایگاه‌های اجتماعی بالاتر، در فرد احساس قدرت و نگرش‌های معطوف به قدرت تأثیر نهادن بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی است (Rezaei, 1996: 55). دوایت دین نیز به موضوع مشارکت افراد توجه کرده است و با استفاده از سه مفهوم بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی، رفتار رأی‌دهندگان را تحلیل می‌کند. او به این نتیجه می‌رسد که این سه مفهوم بر رفتار مشارکتی افراد اثر می‌گذارد و این سه مفهوم خود، متأثر از پایگاه اجتماعی هستند (Mohsenitabrizi, 1991: 48).



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش

**Figure 1: Conceptual Model of Research**

**فرضیات پژوهش**

۱- بین متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

- ۲- بین متغیر احساس بی‌قدرتی و مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۳- بین متغیر میزان دینداری و مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۴- بین متغیر حس تعلق اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- بین متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

#### الف) جامعه و نمونه پژوهش

روش تحقیق از نوع پیمایشی و برای گردآوری داده‌ها از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری در این تحقیق شامل افراد ۶۰-۱۸ ساله شهر اهواز اعم از زن و مرد می‌باشد که مطابق با آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، برابر ۷۶۰۲۸ نفر می‌باشد ( $N=76028$ ). تعداد حجم نمونه ۳۸۲ نفر برآورد گردید. سپس تعداد ۳۸۴ پرسشنامه جهت گردآوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته است.

#### ب) روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

روش نمونه‌گیری این پژوهش، چند مرحله‌ای یا تلفیقی می‌باشد. در این روش ابتدا مناطق ۸ گانه شهر اهواز بر اساس مطالعات انجام شده قبلی و مصاحبه با اساتید و نیز در نظر گرفتن موقعیت مکانی به چند ناحیه و هر ناحیه به تعدادی محله تقسیم شده است. در هر محله، چهار محله منتخب شهری به‌طور تصادفی انتخاب گردید. سپس در هر منطقه منتخب، با توجه به تعداد خانواده‌های ساکن و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم جمعیت، تعداد نمونه‌های مورد نیاز در هر منطقه مشخص شد، پس از آنکه حجم نمونه در هر منطقه مشخص شد، نقشه مناطق تهیه شده و تمام بلوک‌های موجود در نقشه شماره‌گذاری گردید. به کمک روش نمونه‌گیری تصادفی متناسب با حجم بلوک‌ها در هر منطقه تعدادی از این بلوک‌ها به صورت تصادفی انتخاب شد.

هدف اصلی نمونه‌گیری برآورد ارزش‌های جمعیتی است.

تعیین حجم نمونه به عواملی چون تعمیم نتایج دقت برآوردهای آماری، نقد از سؤالات، شیوه تحقیق داده‌ها بستگی دارد. هر چه نمونه بزرگتر باشد، دقت و اطمینان نتایج تحقیق برای تعمیم به کل جامعه بیشتر می‌شود (Kline, 2013). جامعه آماری برابر ۷۶۰۲۸ نفر بوده و حجم نمونه مطابق فرمول کوکران با ۳۸۲ نفر برآورد شده است.

**ج) ابزار پژوهش و آزمون‌های آماری تجزیه و تحلیل داده‌ها**

اطلاعات به دست آمده در این تحقیق، پس از تکمیل پرسشنامه و گردآوری داده‌ها و انجام مراحل استخراج، کدگذاری، ورود اطلاعات به کامپیوتر با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی یا تک متغیره از جداول یک‌بعدی توزیع فراوانی و آماره‌های تمایل به مرکز شامل میانگین، نما و میانه استفاده شد. در مرحله بعد تحلیل روابط بین دو متغیری و آزمون فرضیات با استفاده از ضریب اسپیرمن و همبستگی تفکیکی (سطح سنجش فاصله‌ای) انجام شد و برای بررسی روابط متغیرهای اسمی و فاصله‌ای از  $t$  استیوننت ( $T$ -Test) و تحلیل واریانس ( $F$ -Test) استفاده شد.

**د) تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها**

تعریف مفهومی مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی، مشارکت افراد در گروه‌هایی خارج از خانواده و عرصه سیاسی و کار (احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و گروه‌های فشار) است (Yazdanpanah, 2007: 35). در بحث از اشکال مشارکت نیز دو نوع مشارکت اجتماعی (داوطلبانه) وجود دارد:

**۱- نهادی - رسمی، ۲- غیر رسمی - فردی**

شکل نهادی - رسمی، مانند عضویت در سازمان‌ها، همکاری با انجمن‌ها (باشگاه‌ها) می‌باشد. در حالی که در حالت غیر رسمی - فردی دو حالت وجود دارد. ۱- درگیری لحظه‌ای (فعالیت لحظه‌ای) و اتفاقی؛ ۲- پایدار، فعالیت لحظه‌ای پایدار، مانند فعالیت‌های گروهی در فواصل مختلف مانند همکاری با خیریه‌ها برای کمک به مجروحین و افراد ناتوان. در حالی که در حالت پایدار مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی است که به صورت نهاد (سازمان) نیستند، اما نسبتاً دائمی و همیشگی هستند. مشارکت رسمی شامل عضویت در مؤسسات (سازمان‌ها) ثبت شده، انجمن‌ها (کلوپ‌ها) و گروه‌هایی است که فعالیت‌هایشان برنامه‌ریزی شده باشد و این فعالیت‌ها در قالب برنامه‌های در دست اجرا در یک مکان یا اداره انجام می‌شود (Gholibeygi, 2015: 65).

تعریف عملیاتی مشارکت اجتماعی: برای تعیین میزان مشارکت اجتماعی در عمل چندین مرحله طی می‌شود به طوری که ۱- در ابتدا با سنجش میزان شرکت در فعالیت‌های اجتماعی مختلف، مشارکت اجتماعی در دو بعد رسمی و غیر رسمی تعیین می‌شود. قابل ذکر است که در انواع فعالیت‌های یاد شده تقسیم‌بندی به شرح زیر مد نظر

قرار می‌گیرد تا معنی و مفهوم مشارکت اجتماعی و ابعاد آن دقیق‌تر سنجیده شود: متغیر مشارکت اجتماعی رسمی شامل مشارکت در فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی: انجمن‌های محیط زیست، عضویت در شورای شهر، انجمن اولیاء و مربیان، انجمن هنری، انجمن‌های علمی فرهنگی - هنری، انجمن‌های خیریه‌ای، انجمن‌های حمایتی شامل انجمن‌های حمایت از حقوق زنان، حمایت از سالمندان و زندانیان و خانواده‌های آنان، انجمن حمایت از کودکان، انجمن‌های قومی - مذهبی و تعاونی‌های محلی - خانوادگی بوده است که از ترکیب ۱۲ گویه در پرسشنامه است.

بعد غیر رسمی لحظه‌ای شامل: ۱- مشارکت‌های مذهبی - خیریه‌ای شامل: برنامه‌های خرید جهیزیه برای خانواده‌های نیازمند، کارهای خیریه نظیر کمک به فقرا، شرکت در هیئت‌ها و روضه‌ها و سفره‌ها و جلسات و جشن‌های مذهبی.

۲- مشارکت‌های محلی مانند: فعالیت‌هایی مثل شرکت در جهت بهداشت محل، همکاری با همسایگان در مراسم عزاداری، عروسی، قبول مسئولیت برای امور عمومی محل زندگی، شرکت و همکاری با سازمان‌هایی نظیر شهرداری در مواردی مثل سم‌پاشی، حفظ نگهداری فضای سبز بوده است که از ترکیب ۸ گویه در پرسشنامه است به دست می‌آید. بعد از مشخص نمودن مشارکت اجتماعی در دو بعد رسمی و غیر رسمی آن جهت سنجش مشارکت اجتماعی با جمع کردن نمرات مشارکت در موارد ذکر شده متغیر میزان مشارکت اجتماعی کل سنجیده می‌شود. این متغیر ابتدا در سطح فاصله‌ای (از جمع مجموع نمرات) محاسبه و سپس به یک متغیر با سطح سنجش ترتیبی شده است ( *Gholibeygi, 2015*: 67).

تعریف مفهومی سرمایه اجتماعی از بعد اعتماد اجتماعی: وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجار، و شبکه هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ کارایی جامعه را بهبود بخشید. اعتماد یکی از اجزای اصلی سرمایه اجتماعی است (*Putnam, 2005*: 730).

تعریف عملیاتی سرمایه اجتماعی از بعد اعتماد اجتماعی: اعتماد متقابل بین شخص شکلی از اعتماد است که در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد و اعتماد حداقل بین دو نفر است. اعتماد متقابل بین شخص را می‌توان به معنی داشتن حسن ظن فرد نسبت به سایر افراد جامعه و اعضای شبکه تعریف کرده که این امر موجب گسترش و تسهیل هر چه بیشتر روابط اجتماعی فرد با آنها و در نتیجه تقویت و تداوم رابطه می‌گردد. اعتماد برون‌گروهی، اعتماد به گروه‌هایی غیر از گروه‌های خودی، از قبیل قومیت‌های دیگر،

افراد مختلف در جامعه و بقیه شهروندان یعنی یک اعتماد بین افرادی که هیچ شناختی از قبل با هم نداشته‌اند برقرار می‌باشد. اعتماد انتزاعی که مؤلفه آن اعتماد یا عدم اعتماد به اصناف، نهادهای دولتی، خصوصی با سازمان‌ها بررسی شده‌است (Putnam, 2001: 291).  
تعریف مفهومی احساس بی‌قدرتی: ملوین سیمن احساس بی‌قدرتی را انتظار یا احتمال متصوره‌ای تعریف می‌کند که رفتار فرد قادر نیست تا نتایج مورد انتظاری را که فرد دنبال آن است تحقق بخشد (Seeman, 1959: 784).

تعریف عملیاتی احساس بی‌قدرتی: احساس بی‌قدرتی در این تحقیق به معنای بی‌فایده و بی‌معنا بودن، و اینکه مشارکت امری ظاهری و فرمالیته است و برنامه‌ها از قبل تعریف شده است معنا می‌شود (Mohsenitabrizi, 1991: 59).

تعریف مفهومی دینداری: دینداری به میزان علاقه و احترام پیروان یک دین برای آن گفته می‌شود (Zare & Rohandeh, 2015: 31). فرد مذهبی کسی است که آگاهی را (اگر چه اندک) به اصول یک مذهب در نظر و عمل پیروی از آن دین را اتخاذ کند؛ به نحوی که دین پیروی، بر زندگی اجتماعی و غیر دینی او نیز تأثیر گذارد.

تعریف عملیاتی دینداری: شاخص‌های مذهبی بودن در این تحقیق باورها، عمل دینی، تجربیات درونی و آگاهی و معرفت دین و تأثیرگذاری آن بیان شده است (Gholibeygi, 2015: 120).

تعریف مفهومی حس تعلق اجتماعی: حس تعلق اجتماعی فرایندی است که طی آن مسئولیت‌پذیری و اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد و به مشارکت می‌انجامد (Gholibeygi, 2015: 122).

تعریف عملیاتی حس تعلق اجتماعی: حس تعلق اجتماعی مجموعه عواطفی است که در جریان شکل‌گیری شخصیت فرد، توسط جامعه و جریان جامعه‌پذیری ایجاد می‌شود و عوامل اجتماعی سبب تغییر آن می‌شود، بنابراین تعلق اجتماعی عبارت است از حس دل‌بستگی، وابستگی و وفاداری به جامعه که موجب همبستگی بین افراد و ایجاد پیوستگی یا «احساس ما» شده به نحوی که فرد، خود را بخش جدایی ناپذیری از جامعه می‌داند (Bidel & Mahmoodzadeh, 2012: 47). حس تعلق اجتماعی فرایندی است که طی آن مسئولیت‌پذیری و اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد و به مشارکت می‌انجامد. همچنین با تنظیم روابط اجزای هر نظام، به کاهش پیچیدگی روابط منجر شده و رفتار دیگران را پیش‌بینی‌پذیر می‌کند. این امر باعث افزایش اعتماد اجتماعی و به دنبال آن احساس امنیت اعضای جامعه و کاهش ناهماهنگی شناختی و سرانجام، تبات اعضای جامعه می‌شود و

همبستگی، انسجام و حس وفاداری به جامعه را افزایش می‌دهد. همچنین افراد به دلیل وابستگی به جامعه خود، آمادگی و ایثار و فداکاری از خود نشان خواهند داد. بنابراین در جامعه سرنوشت افراد برای یکدیگر مهم بوده و افراد نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت نیز کرده‌اند و خود را آماده یاری رساندن به دیگر اعضا جامعه می‌کنند. پس می‌توان حس تعلق اجتماعی را یکی از مبانی مهم احساس مسئولیت اجتماعی و ارکان تصمیم‌گیری خود درباره تنظیم روابط مناسب و ثمربخش با جامعه دانست.

تعریف مفهومی پایگاه اجتماعی: جایگاهی که فرد یا گروه با توجه به توزیع‌شان در یک نظام اجتماعی اشغال می‌کنند، پایگاه اجتماعی می‌گویند؛ و یا وضعیتی که فرد در یک نظام اجتماعی در برابر دیگران می‌یابد که تعیین‌کننده حقوق و وظایف انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی است (Sarookhani, 1991: 730).

تعریف عملیاتی پایگاه اجتماعی: پایگاه اجتماعی بسته به میزان تحصیلات (فرد، پدر، مادر، همسر، شغل و منزلت شخصی پدر و مادر، همسر) و منطقه سکونت سنجیده می‌شود (Gholibeygi, 2015: 122).

تعریف مفهومی پایگاه اقتصادی: پایگاه اقتصادی عبارت است از جایگاه افراد در ساخت اقتصادی جامعه، پایگاه اقتصادی بسته به موقعیتی که افراد در شغل‌شان بدست می‌آورند سنجیده می‌شود (Ibid: 124).

تعریف عملیاتی پایگاه اقتصادی: پایگاه اقتصادی بسته به موقعیتی که افراد به مقتضای شغل (منزلت شغلی پدر، مادر، همسر و ثروت خانواده، میزان برخورداری از امکانات زندگی، نوع مسکن، منطقه سکونت، سرانه درآمد خانوار) بدست می‌آورند سنجیده می‌شود که بر ۵ مبنای بسیار بالا، بالا، متوسط، پایین و بسیار پایین رتبه‌بندی می‌شود (Ibid).

### یافته‌های پژوهش

#### الف) آماره‌های توصیفی

در پژوهش حاضر جمعیت نمونه ۴۵ درصد پاسخگویان مرد و ۵۵ درصد پاسخگویان زن بودند که از این تعداد در رده‌های سنی مختلف با درصد‌های فراوانی به این ترتیب بوده است.



در رده سنی ۱۸-۲۷ سال، ۲۰ درصد؛ رده سنی ۲۸-۳۷ سال ۳۴ درصد؛ رده سنی ۳۸-۴۷ سال ۳۰ درصد؛ ۴۸-۵۷ سال ۱۳ درصد؛ رده سنی ۵۸-۶۵ سال ۸ درصد و ۶۵ سال به بالا، ۲ درصد بوده‌اند.

درصد فراوانی برای جامعه متأهلین و مجردین بدین ترتیب بوده است: حدود ۳۷ درصد پاسخگویان مجرد و ۵۷ درصد متأهل، همچنین ۳ درصد مطلقه و ۳ درصد بیوه بوده‌اند.

و در نهایت درصد فراوانی از نظر سطح تحصیلاتی، کمتر از ۱ درصد بی‌سواد؛ ۶ درصد زیر دیپلم، ۹ درصد دیپلم، ۱۱ درصد فوق دیپلم؛ ۴۷ درصد لیسانس و ۸ درصد فوق لیسانس، ۷ درصد دکتری و مابقی تحصیلات حوزوی داشتند.

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر پایه ویژگی‌های فردی

**Table 1: Frequency Distribution of Respondents Based on Individual Characteristics**

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
Variable	Group	Abundance	Percentage
سن	رده سنی ۱۸-۲۷ سال	43	11/19
	رده سنی ۲۸-۳۷ سال	132	34/37
	رده سنی ۳۸-۴۷ سال	115	29/94
	۴۸-۵۷ سال	52	13/54
	رده سنی ۵۸-۶۵ سال	32	8/33
	۶۵ سال به بالا	10	2/6
جنس	مرد	171	44/53
	زن	213	55/46
وضعیت تأهل	مجرد	141	36/71
	متأهل	218	56/77
	مطلقه	13	3/12
	بیوه	12	3/38

با توجه به تعریف مفهومی و عملیاتی پایگاه اقتصادی - اجتماعی، بررسی ابعاد این متغیر در سه قالب تحصیلات، میزان درآمد و منزلت شغلی بررسی شده است. جدول ۲ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات در مشارکت اجتماعی را نشان می‌دهد. مطابق جدول بیشترین درصد مشارکت اجتماعی در تحصیلات دکتری، لیسانس و فوق

لیسانس هستند و این میزان در افراد بی‌سواد و زیر دیپلم در حد کم می‌باشد؛ بنابراین درصد فراوانی پاسخگویان در افرادی که تحصیلات بالاتری دارند بیشتر است.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات در مشارکت اجتماعی (تعداد پاسخگویان ۳۸۴ نفر)

**Table 2: Frequency Distribution of Respondents by Education in Social Participation (Number of Respondents 384 People)**

مشارکت تحصیلات	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ	جمع کل
Participation Education	Very Little	Little	Medium	Many	Very Many	No Answer	Total
بی‌سواد	0 0%	2 66/66%	1 33/33%	0 0%	0 0%	0 0%	3 100%
زیر دیپلم	8 32%	10 40%	4 16%	2 8%	0 0%	1 4%	25 100%
دیپلم	11 32/35%	10 29/41%	8 23/52%	2 5/88%	0 0%	3 8/82%	34 100%
فوق دیپلم	23 54/76%	12 28/57%	4 9/52%	2 4/76%	1 2/38%	0 0%	42 100%
لیسانس	12 6/59%	18 9/89%	21 11/53%	98 53/84%	25 13/73%	8 4/39%	182 100%
فوق لیسانس	0 0%	1 3/03%	1 3/03%	24 13/18%	4 2/19%	3 1/64%	33 100%
دکتری	0 0%	2 7/14%	2 7/14%	19 67/85%	3 10/71%	2 7/14%	28 100%
حوزوی	0 0%	0 0%	0 0%	0 0%	16 88/88%	2 0/52%	18 100%
بی‌پاسخ	-	-	-	-	-	19 4/94%	384 100%

جدول ۳ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب درآمد افراد در مشارکت اجتماعی را نشان می‌دهند. مطابق جدول میزان مشارکت اجتماعی در افرادی که درآمدی تا یک و نیم میلیون، بین یک و نیم تا دو و نیم میلیون و دو و نیم تا چهار میلیون در حد متوسط است. این نشان می‌دهد که افراد با درآمد کم تا متوسط مشارکت اجتماعی بیشتر دارند.

جدول ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب درآمد فرد در مشارکت اجتماعی (تعداد پاسخگویان ۳۸۴ نفر)

**Table 3: Frequency Distribution of Respondents by Income in Social Participation (Number of Respondents 384 People)**

مشارکت درآمد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ	جمع کل
Participation Income	Very Little	Little	Medium	Many	Very Many	No Answer	Total
تا یک و نیم میلیون	21 11/11%	25 13/22%	101 53/43%	38 20/10%	2 1/05%	2 1/05%	189 100%
۱/۵ تا ۲/۵ میلیون	20 13/18%	35 24/30%	65 45/13%	20 13/88%	4 2/7%	0 0%	144 100%
۲/۵ تا ۴ میلیون	2 5/26%	3 7/89%	26 68/42%	4 10/52%	2 5/26%	1 2/63%	38 100%
۴ تا ۶ میلیون	1 20%	1 20%	1 20%	2 40%	0 0%	0 0%	5 100%
بالاتر از ۶ میلیون	1 50%	1 50%	0 0%	0 0%	0 0%	0 0%	2 100%
بدون پاسخ	-	-	-	-	-	6 1/56%	384 100%

جدول ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب درآمد افراد در مشارکت اجتماعی را نشان می‌دهند. مطابق جدول میزان مشارکت اجتماعی در افراد کارمند زیاد است. این نشان می‌دهد که موقعیت شغلی بالا مشارکت اجتماعی بالاتری نیز دارند.

جدول ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب موقعیت شغلی فرد در مشارکت اجتماعی (تعداد

پاسخگویان ۳۸۴ نفر)

**Table 4: Frequency Distribution of Respondents by Position Occupation in Social Participation (Number of Respondents 384 People)**

مشارکت موقعیت شغلی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ	جمع کل
Participation Position Occupation	Very Little	Little	Medium	Many	Very Many	No Answer	Total
خانه دار	2 4/65%	4 9/30%	9 20/93%	25 58/13%	1 2/32%	2 4/65%	43 100%
کارمند	2 1/49%	2 1/49%	8 5/97%	110 82/08%	12 8/95%	0 0%	134 100%
بازنشسته	0 0%	0 0%	1 33/33%	1 33/33%	1 33/33%	0 0%	3 100%
آزاد	21 15/55%	36 26/66%	68 50/37%	6 4/44%	2 1/48%	2 1/48%	135 100%
بیکار	2 40%	2 40%	0 0%	0 0%	0 0%	1 20%	5 100%
دانشجو	1 4/76%	1 4/76%	16 76/19%	1 4/76%	0 0%	2 9/52%	21 100%

مشارکت / موقعیت شغلی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ	جمع کل
Participation Position Occupation	Very Little	Little	Medium	Many	Very Many	No Answer	Total
سایر	1 2/85%	2 5/71%	15 42/85%	14 40%	2 5/71%	1 2/85%	35 100%
بدون پاسخ						8 2/08%	384 100%

- جدول ۴، توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. توزیع فراوانی در متغیرهای مستقل نشان‌دهنده موارد زیر است:
- اعتماد اجتماعی در جامعه آماری مورد نظر در حد متوسط است؛
  - احساس بی‌قدرتی در جامعه آماری مورد نظر، متوسط است؛
  - دینداری در جامعه آماری مورد نظر، خیلی زیاد است و در نتیجه جامعه‌ای مذهبی به شمار می‌رود.
  - تعلق اجتماعی در جامعه آماری مورد نظر، زیاد است.
  - پایگاه اقتصادی - اجتماعی در جامعه مورد بررسی به‌طور کلی زیاد است.

جدول ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیرهای مستقل

**Table 5: Frequency Distribution of Respondents by Independent Variables**

متغیرهای مستقل	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ	جمع کل
Independent Variables	Very Little	Little	Medium	Many	Very Many	No Answer	Total
اعتماد اجتماعی	7 1/8%	86 23/3%	222 57/8%	45 11/7%	21 5/4%	3 0/7%	384 100%
بی‌قدرتی	25 6/51%	131 34/11%	193 50/26%	29 7/55%	3 0/78%	3 0/78%	
دینداری	0 0%	2 0/52%	25 6/51%	119 30/98%	235 61/19%	3 0/78%	
تعلق اجتماعی	1 0/26%	42 10/93%	108 28/12%	156 40/62%	75 19/53%	2 0/52%	
پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا	3 0/7%	3 0/7%	25 6/51%	268 69/79%	81 21/09%	4 1/04%	
پایگاه اقتصادی - اجتماعی متوسط	14 3/64%	26 6/77%	43 11/19%	220 57/29%	68 17/70%	13 3/38%	
پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین	187 47/69%	48 12/5%	16 4/16%	118 30/72%	13 3/38%	2 0/52%	

### بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای با مشارکت اجتماعی

#### - بررسی رابطه جنس با مشارکت اجتماعی

برای بررسی رابطه بین جنس با مشارکت اجتماعی از آزمون  $T$  با دو نمونه مستقل استفاده شد. میانگین مشارکت اجتماعی زنان برابر با  $۳۶/۳۹$  و میانگین مشارکت اجتماعی مردان برابر با  $۲۴/۰۵$  از  $۱۰۰$  است. مقدار  $T$  برابر  $۲/۹۹۸$  و معناداری متناظر با آن  $۰/۰۰۳$  است. این نتایج نشان می‌دهد تفاوت مشاهده شده بین مشارکت اجتماعی مردان و زنان با لحاظ ۱ درصد خطا معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. بنابراین مشارکت اجتماعی زنان بیشتر از مردان است.

#### - بررسی رابطه سن با مشارکت اجتماعی

با توجه به اینکه هر دو متغیر سن و مشارکت اجتماعی در سطح سنجش فاصله‌ای هستند برای سنجش رابطه بین دو متغیر از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. مقدار ضریب اسپیرمن برابر با  $۰/۰۵۹$  و معناداری متناظر با آن برابر با  $۰/۰۹$  است. با توجه به اینکه سطح معناداری بزرگتر از  $۰/۰۵$  است؛ بنابراین می‌توان گفت بین متغیر سن و مشارکت اجتماعی در جامعه آماری مورد مطالعه همبستگی وجود ندارد.

#### - بررسی رابطه وضعیت تأهل با مشارکت اجتماعی

برای بررسی رابطه بین وضعیت تأهل با مشارکت اجتماعی از آزمون  $T$  با دو نمونه مستقل استفاده شده است. میانگین مشارکت اجتماعی افراد مجرد برابر با  $۲۲/۹۷$  و میانگین مشارکت اجتماعی افراد متأهل برابر با  $۳۵/۹۶$  از  $۱۰۰$  است. مقدار  $T$  برابر  $۲/۱۰۹$  و معناداری متناظر با آن  $۰/۱۲۴$  است. این نتایج نشان داد تفاوت مشاهده شده بین مشارکت اجتماعی متأهلین و مجردین معنادار نیست و بنابراین قابل تعمیم به جامعه آماری نمی‌باشد. پس مشارکت اجتماعی مجردین و متأهلین تفاوت معناداری ندارد.

#### - بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل (اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی،

دینداری، تعلق اجتماعی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی) با متغیر وابسته

#### مشارکت اجتماعی

با توجه به اینکه همه این متغیرها با استفاده از طیف لیکرت سنجیده شده‌اند، برای بررسی رابطه آنها با مشارکت اجتماعی از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: ضریب همبستگی اسپیرمن بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مشارکت اجتماعی

**Table 6: Spearman Correlation Coefficient between Independent Variables and Social Participation Dependent Variable**

متغیرهای مستقل					
Independent Variables					
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	تعلق اجتماعی	دینداری	احساس بی‌قدرتی	اعتماد اجتماعی	
Socio-Economic Base	Social Belonging	Religiosity	Feeling Powerless	Social Trust	
0/924*	0/892*	0/906*	-0/981**	0/946*	مشارکت اجتماعی
0/025	0/042	0/034	0/003	0/015	

(\*) معنی‌دار در سطح خطای ۵ درصد؛ (\*\*) معنی‌دار در سطح خطای ۱ درصد

رابطه اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی معنادار شده است. ضریب اسپیرمن رابطه اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی ۰/۹۴۶ است که نشان‌دهنده رابطه قوی بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در سطح معناداری ۹۵٪ است. بنابراین بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی، رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. پس، با افزایش اعتماد اجتماعی افراد، میانگین مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.

رابطه احساس بی‌قدرتی با ابعاد مشارکت، معنادار است. ضریب همبستگی بین احساس بی‌قدرتی و مشارکت اجتماعی ۰/۹۸۱- است که رابطه معناداری بالایی را نشان می‌دهد. علامت منفی، نشان می‌دهد که بین احساس بی‌قدرتی و مشارکت اجتماعی رابطه‌ای معکوس وجود دارد. یعنی هر چه احساس بی‌قدرتی افزایش یابد، مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد و برعکس افرادی که احساس بی‌قدرتی کمتری دارند، بیشتر در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت می‌کنند. برای اینکه فردی در فعالیتی مشارکت جوید، باید این توانایی را در خود احساس کند که می‌تواند سهمی در امور داشته باشد. این احساس بیشتر به گذشته و محیط زندگی فرد برمی‌گردد. علاوه بر آن به تکرار مشارکت بستگی دارد. به همین دلیل افرادی که در فعالیت‌های بیشتری مشارکت می‌کنند، راحت‌تر می‌توانند در یک فعالیت اجتماعی دیگر ایفای نقش کنند.

ضریب همبستگی اسپیرمن برای متغیر دینداری ۰/۹۰۶ است که نشان‌دهنده رابطه قوی بین دینداری و مشارکت اجتماعی در سطح معناداری ۹۵٪ است. بنابراین بین دینداری و مشارکت اجتماعی، رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. پس با افزایش اعتقادات مذهبی، مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.

ضریب همبستگی اسپیرمن بین تعلق اجتماعی و مشارکت اجتماعی ۰/۸۹۲ است که رابطه معناداری بالایی را نشان می‌دهد. همچنین همبستگی مثبت و مستقیمی بین این دو متغیر نشان می‌دهد که هر چه میزان احساس تعلق اجتماعی در افراد بیشتر شود حس مشارکت در آنان نیز افزایش می‌یابد.

ضریب همبستگی اسپیرمن بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت اجتماعی ۰/۹۲۴ است که رابطه قوی را نشان می‌دهد. همچنین همبستگی مثبت و مستقیمی بین این دو متغیر نشان می‌دهد که هر چه پایگاه اقتصادی - اجتماعی در وضعیت مطلوب‌تری قرار بگیرد مشارکت نیز افزایش می‌یابد، بدان معنا که افرادی که از تحصیلات عالی و درآمد بالا برخوردار باشند و نیز در مرتبه شغلی بالاتری قرار داشته باشند مشارکت اجتماعی‌شان بیشتر است.

بر اساس اطلاعات جدول ۷ سطوح معناداری آزمون  $t$  نشان‌دهنده تأثیرگذاری تمام متغیرهای مستقل (شامل اعتماد اجتماعی، حس تعلق اجتماعی، دینداری، بی‌قدرتی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی) بر میزان مشارکت اجتماعی بررسی شده است. بیشترین میزان تأثیرگذاری، مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی با ضریب بتای برابر ۰/۳۹۱ است. اطلاعات جدول ۶ میزان معناداری متغیرهای مستقل میزان مشارکت اجتماعی با ضرایب بتای هر یک را نشان می‌دهند.

**جدول ۷:** رگرسیون خطی چند متغیره متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مشارکت اجتماعی

**Table 7: Multivariate Linear Regression of Independent Variables with Dependent Variable of Social Participation**

سطح معناداری	مقدار $T$	ضرایب استاندارد شده (Beta)	ضرایب استاندارد شده		متغیرهای مستقل
			Standardized Coefficients		
Significance Level	The Value of $T$	Standardized Coefficients (Beta)	خطای معیار	ضریب رگرسیونی (B)	Independent Variables
			The Standard Error	Regression Coefficient	
0/000	6/754	0/391	0/064	0/434	اعتماد اجتماعی
0/019	2/150	0/233	0/124	0/267	حس تعلق اجتماعی
0/002	3/123	0/180	0/031	0/098	دینداری
0/047	-1/813	-0/123	0/041	-0/103	بی‌قدرتی
0/002	6/610	0/325	0/025	0/040	پایگاه اقتصادی - اجتماعی

### نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان اهواز انجام شده است. از آنجا که یکی از عوامل و مؤلفه‌های مهم شکل‌گیری بر هم‌کنش‌های اجتماعی پیوسته و مشارکتی در هر جامعه‌ای وجود اعتماد در میان کنشگران آن جامعه است؛ اهمیت اعتماد اجتماعی از آن جهت مورد توجه است که این متغیر با متغیر وابسته مشارکت دارای همبستگی مثبت و معناداری است. زیرا که اعتماد پیش شرط مشارکت و همکاری دسته‌جمعی است. در این پژوهش نتایج نیز نشان داد؛ اعتماد بیشترین تأثیر را بر مشارکت داشته است. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش‌های ظهیری‌نیا و همکاران (۱۳۹۵)، زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف (۱۳۹۱) و پارسامهر و اسکندری‌فرد (۱۳۹۲)، همخوانی دارد و فرضیه پژوهش را حمایت می‌کند. اعتماد اجتماعی با تأثیری که بر مشارکت اجتماعی دارد، می‌تواند به‌عنوان بنیاد هر گونه همکاری و مشارکت نقشی مهم را در میان افراد ایفا کند. نتایج تحقیق افضلیان سلامی و همکاران (۱۳۹۷)، نشان داد که تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی، معنادار و مثبت بوده است که با نتایج تحقیق حاضر همخوانی داشته‌اند (Zahiriniya & et. al., 2016., Zare Shahabadi & Nooriannajaf, 2012., Parsamehr & Eskandarifard, 2013., Afzaliyan Salami & et. al., 2019).

رابطه احساس بی‌قدرتی و مشارکت اجتماعی معنادار و منفی شده است. هر چه احساس بی‌قدرتی در جامعه‌ای بیشتر باشد حس مشارکت و همکاری در آنان کمتر است. همچنین رابطه احساس بی‌قدرتی با همه ابعاد مشارکت اجتماعی نیز معنادار و منفی شده است. از میان متغیرهای مستقل، احساس بی‌قدرتی کمترین تأثیر را در میزان مشارکت داشته است. نتایج تحقیق سفیری و صادقی (۱۳۸۸) و یزدان‌پناه (۱۳۸۶)، نشان داد که احساس بی‌قدرتی با مشارکت اجتماعی رابطه منفی و معناداری دارد که با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد (Safiri & Sadeghi, 2009., Yazdanpanah, 2007). احساس تعلق اجتماعی و دینداری هر یک با مشارکت اجتماعی همبستگی بسیار مثبت و معناداری داشته‌اند. بدان معنا که هر چه میزان این دو متغیر بیشتر باشد مشارکت اجتماعی شهروندان نیز بیشتر است. موسوی و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیق خود به این مهم دست یافتند که افرادی که بیشتر پایبند به امور دینی باشند، خود را موظف خواهند دانست که در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت فعال داشته باشند. باقری بنجار و رحیمی (۱۳۹۱)، در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که شهروندان در دو بعد فرهنگی و سیاسی، مشارکت فعالانه‌تری نسبت به بعد اجتماعی آن دارند و اینکه احساس تعلق اجتماعی زنان



بیشتر از مردان بوده است؛ که با نتایج تحقیق حاضر همخوانی داشته است ( Mousavi & *et. al.*, 2018., Bagheribanjar & Rahimi, 2012).

با توجه به مفهوم پایگاه اقتصادی - اجتماعی، بررسی ابعاد این متغیر در سه قالب تحصیلات، میزان درآمد و منزلت شغلی بررسی شده است. در پایان بطور کلی افرادی که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی والاتری برخوردار بودند مشارکت بیشتری داشتند و بین این دو متغیر همبستگی مثبت و معناداری وجود داشت که با نتایج تحقیقات اسدپور و همکاران (۱۳۹۷) و فتحی و میرزاپوری (۱۳۹۵)، همخوانی داشته است. همچنین پایگاه اقتصادی - اجتماعی پس از اعتماد بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی داشته است ( Asadpour & *et. al.*, 2019: 68., Fathi & Mirzapori, 2016).

با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین مشارکت اجتماعی مردان و زنان با لحاظ ۱ درصد خطا معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری بود پس می‌توان گفت در این تحقیق مشارکت اجتماعی زنان بیشتر از مردان بوده است. بین سن و مشارکت اجتماعی همبستگی وجود نداشت؛ نیز تفاوت مشاهده شده بین مشارکت اجتماعی متأهلین و مجردین معنادار نبوده و قابل تعمیم به جامعه آماری نیست، بنابراین بین مشارکت اجتماعی مجردین و متأهلین تفاوت معناداری وجود نداشت.

با توجه به نتایج دست یافته این پژوهش؛ در بعد مشارکت، شهرداری نیاز به ایجاد ساختار مشارکتی دارد که در آن عموم مردم در فعالیت‌های شهری که مستقیم یا غیر مستقیم بر زندگی آنان تأثیر دارد، از گردآوری اطلاعات و شناخت وضعیت موجود گرفته تا انتخاب راه حل بهینه و اجرا و ارزیابی آن دخالت نمایند. در واقع ساختار مشارکت شهروندان باید از وسیله‌ای برای تحقق اهداف دیگر (معمولاً علائق جزئی، فردی) به مشارکت در فعالیت اجتماعی به‌عنوان هدف تبدیل گردد. به‌عبارت دیگر، مشارکت شعاری و مشارکت محدود باید به مشارکت واقعی تبدیل شود. این ساختار باید به دنبال ظرفیت‌سازی در همه اقشار و طبقات جامعه، توانمندسازی آن‌ها و مردم محور بوده و تأکید ویژه‌ای بر نقش مردم و میزان مداخله آنها داشته باشد. ساختار باید مشارکت کامل و جامع را شامل شود که شهروندان در همه مراحل تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت، فعالانه حضور یابند و در اموری که مربوط به محله خود آنهاست، مشارکت جویند. البته خود افراد نیز باید از سطح آگاهی‌های عمومی کافی و حس تعلق اجتماعی برخوردار باشند. این مهم در فرایند همدلی و سپس همفکری ایجاد می‌شود؛ به همین دلیل هر برنامه مشارکتی مؤثر باید شامل یک برنامه آگاهی عمومی مناسب باشد. مردم باید در مورد موضوعی که قرار است در آن مشارکت داشته باشند پس از همدل شدن آگاهی کافی داشته باشند.

**References:**

- Afzaliyan Salami, M., Zamani Moghadam, M., & Salehi, E. (2019). "Investigating social participation and its effective factors in Khwa city", *Journal of Socio-Cultural Studies of Khorasan*, No. 13(2), 7-46. (Persian).
- Alavitabar, A. (1997). "Kian roundtable on civil society", *Journal of Kiyān*, No. 33. (Persian).
- Aminbeidokhti, A., & Sharifi, N. (2016). "Religiosity and social capital as an efficient tool for the participation of students in the voluntary rescue groups to establish order and security of the inhabitants of the affected areas", *Journal of Strategic Research on Social Problems in Iran University of Isfahan*, No. 5(2), 41-54. (Persian).
- Asadpour, A., Entezari, A., & AhmadiAhak, K. (2019). "Formal and informal social participation and the factors affecting it (Case study: Amol city)", *Journal of Applied Sociology*, No. 29(71), 67-86. (Persian).
- Bagheribanjar, R., & Rahimi, M. (2012). "Investigating the relationship between citizens' sense of social belonging and their level of social, cultural and political participation", *Journal of Urban Sociological Studies*, No. 2(5), 143-170. (Persian).
- Bidel, P., & Mahmoodzadeh, A. (2016). "Investigating the degree of social belonging of people to Iranian society and its relationship with social trust and individualism (Case study: Mashhad)", *Journal of Cultural research*, No. 5(2), 31-63. (Persian).
- Darvishpoor Kakhki, A., Abed Saeedi, Z., & Abbaszadeh, A. (2014). "Social participation, barriers, and related factors in older people in Tehran", *JHPM*. No. 3(4), 65-73. (Persian).
- Effe, K. (2006). *How to trust citizens, social capital, trust, democracy and development*, Tehran: Shirazeh.
- Fathi, S., & Mirzapori, J. (2016). "Investigating the effect of socio-economic status on social participation (Case study: Babol youth)", *Journal of Sociological Studies of Youth*, 7(22), 87-100. (Persian).

Ghadimi Gheydari, A., & Kazemi, Z. (2017). "From mystery to social presence: barriers and consequences of women's social participation from the perspective of mollansereddin", *Journal of Social History Research*, No. 2(14), 177-196. (Persian).

Ghafari, Gh., & Niyazi, M. (2007). *Sociology of participation*. Tehran: Nazdic.

Gholibeygi, M. (2015). *Investigating the level of social participation of the people of Tehran and the factors affecting it*, Master Thesis in Social Sciences, Al-Zahra University, Faculty of Economics and Accounting.

Giddens, A. (1999). *Modernization and individualization*. 11th edition. Tehran: Ney.

Khaerunnisa, A., & Hafeez, M. (2011). "Factors affecting social participation of elderly people: A study in Lahore", *Journal of Animal and Plant Sciences*, No. 21(2), 283-289.

Kline, R. (2013). *Exploratory and Confirmatory Factor analysis*. retrieved from [psychology.concordia.ca/fac/kline/library/k13b.pdf](http://psychology.concordia.ca/fac/kline/library/k13b.pdf)

Mansouri, T., Farhadi, A., Borhaninejad, V., Kojaie Bidgoli, A., Navvabi Rigi, Sh., & Hosseinabadi, R. (2018). "Factors and barriers affecting the social participation of older people", *North Khorasan Journal of Medical Sciences*, No. 9(4), 63-75.

Mohammadi Shahbalaghi, F., Setareh Forouzan, A., Hemati, S., & Karimloo, M. (2016). "Factors related to social participation in health promotion", *Journal of Social Welfare*, No. 13(48), 45-70. (Persian).

Mohsenitabrizi, A. (1991). *Participatory Rural background check and its relationship with agricultural extension*. Assistance and Public Participation Jihad, Tehran.

Mousavi, N., Sepahvand, R., Jafari, S., & Jafari, A. (2018). "Investigating the role of religiosity in students' trust and social participation university of Lorestan", *Journal of Social capital management*, No. 5(4), 629-649. (Persian).

Navabakhsh, M., Rezaei, M., & Rahimi, M. (2014). "Investigating the relationship between citizens' confidence and their social participation (case study: Ilam city)", *Journal of*

Quarterly Journal of Urban Sociological Studies, No. 10, 1-27. (Persian).

Parsamehr, M., & Eskandarifard, A. (2013). "Social trust and its relationship to community involvement (Case study: Yazd)", Journal of Social Sciences, No. 62, 253-285.

Prasad Pandeya, G. (2015). "Does citizen participation in local government decision-making contribute to strengthening local planning and accountability system? An empirical assessment of stakeholders perception in Nepal", International Public Management Review, No. 16(1), 67-98.

Putnam, R. D. (2005). Bowling alone: Americas declining social capital, journal of Democracy, P65.

Rezaei, A. (1996). "Social participation; the means or purpose of development", Journal of Political-Economic Information, No. 190-110, 54-63. (Persian).

Safiri, Kh., & Sadeghi, M. (2009). "Social participation of female students in social sciences faculties of Tehran universities and social factors affecting it", Journal of Applied Sociology, No. 20(34), 1-34. (Persian).

Sarookhani, B. (1991). Encyclopedia of the Social Sciences. 3<sup>th</sup> edition Tehran: Keyhan.

Seeman, M. (1959). On the meaning of Alienation sociological Review. 24.

Shamai, A., Abya, H., & Ebrahimi, M. (2015). "Factors influencing citizen participation in community management", Management Science Letters, No. 5(4), 407-412.

Shiyani, M., Razavi Alhashem, B., & Delpasand, K. (2012). "Investigating the social factors affecting citizens' participation in the management of Tehran's urban affairs", Journal of Urban Studies, No. 2(4). (Persian).

Yazdanpanah, L. (2007). "Barriers to social participation of Tehran citizens", Journal of Social Welfare, No. 7(26), 105-130.

Zahiriniya, M., Nikkhal, H., Falahishahabadi, A., Sadeghi, S., & Azizzadeh. O. (2016). "Social trust and its impact on social participation of Hormozgan university students", Cultural Journal of Hormozgan, No. 6(11), 86-106. (Persian).

Zare, B., & Rohandeh, M. (2015). "Investigating social factors affecting the social and political participation (18 and above years old citizens of Karaj)", *Journal of Iranian Social Studies*, No. 9(2), 64-78. (Persian).

Zareshahabadi, A., & Nooriannajaf, M. (2012). "Investigating the relationship between social trust and social participation among Yazd university students", *Journal of Economic sociology and development*, No. 1(1), 47-69. (Persian).

Ziyari, K., & Safari, K. (2013). "Investigation of the social factors influencing on the participation of citizens in managing urban affairs in Salmas city", *European Online Journal of Natural and Social Sciences*, No. 2(3), 3272-3280.

Zmerli, S., & Ken, N. (2008). Social trust and attitudes toward democracy, *Public Opinion Quarterly*, 1-19.

## Investigating the Factors Affecting the Social Participation of Citizens in Urban Affairs (Case Study: 8 Districts of Ahvaz City)

Eskandar Lotfalizadeh<sup>1</sup>, Yousef Amini (Ph.D)<sup>2</sup>  
Alihossein Hosseinzadeh (Ph.D)<sup>3</sup>

DOI: 10.22055/qjstd.2022.32312.2142

### **Abstract:**

The purpose of this study is to investigate the factors affecting social participation of Ahvaz citizens. The statistical population in this study includes 18-60 years old and multi-stage or integrated sampling method. Survey method and questionnaire were used to collect data. Statistical results showed that in general, women's social participation was higher than men. There is a positive and significant relationship between the independent variables of religiosity, social trust, social belonging and socio-economic status and contextual variables (age, gender, marital status) with the dependent variable of social participation, but there was a significant inverse relationship between feelings of powerlessness and participation. There was no significant difference between the social participation of married people, single people and age group. Therefore, there was no relationship between gender and age with the social participation of citizens.

**Key Concepts:** Social Participation, Variable, Correlation

<sup>1</sup> PhD student, Department of Political Sociology, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran, lotfalizadeh1396@gmail.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Political Sociology, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran (Corresponding Author), yousefamini@gmail.com

<sup>3</sup> Professor, Department of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, alihos81@yahoo.com

